



سخن سردبیر

حزب الله

و قدرتی که ناشناخته مانده

روی داده‌های اخیر لبنان و مبارزات شجاعانه سیدحسین نصرالله و یاران دلاورش، این روزها در صدر اخبار و تحلیل‌های ناظران سیاسی، اندیشمندان و صاحب‌نظران امور دنیای اسلام، بویژه خاورمیانه قرار گرفته است.

دفاع جانانه حزب‌الله از تمامیت ارزی و مرزهای معنوی و ارزشی خود، هرچند با سکوت و غفلت بسیاری از دولت‌مردان کشورهای مختلف و متأسفانه اسلامی و حتی بسیاری از کشورهای عربی مواجه شد، اما از همان ابتدا، با تحسین و شگفتی مردمان آزاده و امت‌های استثمارستیز نیز همراه گشت. و هرچه این جسارت و شجاعت مبارزه با دشمن، استمرار و قوام یافت، عکس‌العمل‌های مردمی نیز ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد، تا جایی که امروز می‌بینیم دولت‌های غفلت‌زده و به اجبار ساکت شده، از لای مصلحت‌اندیشی خارج شده‌اند و تلاش دارند با فریاد توده امت آزادی‌خواه و بشر دوست کشورشان همراه شوند...

سیدحسین نصرالله و یارانش در این نبرد - هرچند بسیار نابرابر - توانستند، ابهت قدرت اسرائیل را - که پوشالی هم نیست - به راحتی بشکنند و به مسلمانان و اعراب هر اسناک از شکست جنگ‌های پیشین ثابت کنند، اگر همت و اراده، با قدرت ایمان همراه گردد، نه فقط اسرائیل، که شکست آمریکای تا بن دندان مسلح نیز دور از انتظار نیست.

شاید هم پیامد این مبارزه جسورانه، همین نکته باشد که ذکر شد. در این میان از رسوایی و ورشکستگی سیاسی و جهانی سازمان ملل، که آلت دست آمریکا و صهیونیسم جهانی شد، و نیز دولت‌مردان آمریکا و کشورهای عربی که زنجیره وحدت با صهیونیسم تشکیل داده‌اند، نمی‌توان به راحتی گذشت و از آن سخن نگفت، چرا که این رسوایی هم، ریشه در همان جسارت و شجاعت سیدحسین نصرالله و یارانش دارد.

درس بزرگی که حزب‌الله به کشورهای عربی داد، این بود که قدرت اسرائیل - هرچه بزرگ هم باشد - شکننده است و در برابر نیروی ایمان و اراده مسلمانان، چندان دوام نمی‌آورد و در این میان، تنها کسانی می‌توانند به مبارزه با طاغوت اسرائیل بپردازند که وابسته دنیای رنگین و پرزرق و برق نعمات آمریکایی نباشند. به عبارت دیگر، دل‌بستگی و وابستگی به دنیا، بهانه رخوت و دست روی دست گذاشتن است و همین تفکر پوشالی است که زمینه نفوذ طاغوت و غارت ایمان و امان‌شان را فراهم آورده است. اگر اندکی واقع‌نگر باشیم، می‌توانیم قبول کنیم که برگ برنده حزب‌الله، صرفاً موشک‌هایی نبود که هر روز به سمت اسرائیل شلیک می‌شد، چراکه قطعاً هراس‌انگیزی و قدرت تخریب بمب‌ها و موشک‌های اسرائیلی، هزاران برابر موشک‌های حزب‌الله است، اما چرا شیرازه، سامان، نظم، روحیه و قوام ارتش اسرائیلی که ششمین ارتش دنیاست، به همین سادگی - در مبارزه با یک گروه چریکی و نامنظم - فرومی‌پاشد و به هم می‌ریزد؟!

آنچه حزب‌الله را پیروز میدان کرد، بیش از آن که به رویارویی با طاغوت اسرائیل باشد، هدفمندی، قدرت اراده و ایمان، و از همه مهم‌تر، پیروزی آنان در جهاد اکبر است. در این جهاد است که تمام دل‌بستگی‌های آدمی به دنیا و حواشی آن از بین می‌رود و مصلحت‌اندیشی‌ها، رخوت‌ها، دست روی دست گذاشتن‌ها و... به زوال خود می‌رسد و آفتاب معنویت و جهاد فی سبیل الله، بر قلّه دل‌های سرفراز در دشت حق، تابان می‌شود. در زیر تابش این خورشید است که می‌توان حقیقت را دید و برای نیل به آن جنگید.

هرچند سخن به درازا کشید، اما ذکر این نکته، خالی از لطف نیست که یاران حزب‌الله در این مبارزه، حداقل در سه جبهه گسترده، مبارزه کردند که نهایتاً به یک هدف - که همان عرصه توحید است - می‌رسد، چه پیروزی ظاهری و دفع دشمن باشد، چه شهادت.

اولین عرصه، مبارزه با شیطان درون بود که از آن به جهاد اکبر تعبیر شده و پیش‌تر به آن پرداختیم. مواجهه دیگر حزب‌الله، با سربازان اسرائیل، در مرزهای لبنان است که هر روز، خبر پیروزی‌های غرورانگیز آنان را شنیده و شادمان شده‌ایم. اما عرصه سوم مبارزه، مواجهه با توطئه‌های سیاسی صهیونیسم جهانی است که به شکل‌های مختلف، درصدد نابودی حرکت حزب‌الله است. تلاش‌های مذبحخانه سازمان ملل برای محکومیت حزب‌الله، سکوت معنی‌دار کشورهای غربی، و... از نمونه مواجهه‌ها و رویارویی‌های صهیونیسم جهانی با حرکت حزب‌الله است.

خدای را شاکریم که توفیق حیات یافتیم و روزهایی را به چشم دیدیم که تفکر اسلامی و الهی مبارزه با صهیونیسم - که مدت‌ها در محاق غفلت و ترس بود - امروزه در میان مسلمانان نمود یافته و تبدیل به یک حرکت عمومی و فراگیر شده است.

خدای را شکر می‌گوییم که در مبارزه کفر و الحاد، با اراده و اعتقاد، عزت اسلام و شیعه مظلوم را شاهد بودیم این عزت و این پیروزی، وعده الهی بوده که اینک تحقق یافت...

